

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال نوزدهم - شماره ۱۴۰
زمستان ۱۴۰۰

تحلیل دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره «تجسم اعمال»

الهام توبه^۱

چکیده

مسئله تجسم اعمال به معنای به صورت درآمدن عقاید، اخلاق و اعمال انسان، پیشینه‌ای به قدمت ظهور اسلام داشته و بحث از آن بر پایه چگونگی رابطه بین عمل و جزای اخروی بنا شده است. اعتقاد به این موضوع، که نفس انسان متناسب با ملکات خوب و بدی که در دنیا کسب کرده، در قیامت محشور و متنعم یا معذب می‌شود، در بینش او نسبت به اعمال و اخلاق و عقایدش تاثیرگذار خواهد بود. علاوه بر این، وجود شبهاتی در زمینه فلسفه وجود جهنم و عدم تناسب عذاب‌های اخروی با گناهان و ناسازگاری کیفر الهی با عدالت و حکمت خدا، بر اهمیت این بحث می‌افزاید. مفسران متقدم غالباً تجسم اعمال را انکار نموده و هریک به نحوی، آیاتی که بر این امر دلالت دارد را توجیه کرده‌اند. در بین مفسران متأخر نیز آیت‌الله جوادی آملی از معدود مفسرانی است که علاوه بر آنکه در آثار خود، پیوسته از طریق نقلی، به اثبات مسئله «تجسم اعمال» می‌پردازد، معتقد است از طریق براهین عقلی نیز می‌توان در اثبات این مسئله استفاده کرد. از آنجاکه اثری در مورد بررسی دیدگاه ایشان در این مسئله یافت نشد، در این مقاله به تحلیل برهان‌های ایشان در مسئله «تجسم اعمال» به روش تحلیلی توصیفی پرداخته و بیان می‌شود. حاصل اینکه ایشان علاوه بر تبیین «تجسم اعمال» با توجه به آیات و روایات، از طریق بررسی حقیقت عمل، ترتب عوالم وجود و اصل علیت نیز به ارائه برهان‌های عقلی در این مسئله می‌پردازد.

واژگان کلیدی: آیت‌الله جوادی آملی، اعمال، تجسم اعمال، برهان‌های عقلی.

۱. دانش‌پژوه سطح ۴ رشته معارف قرآن، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء (ع)، Elhamtobe@gmail.com.

مقدمه

درباره ثواب‌ها و عقاب‌هایی که خداوند برای اعمال انسان در نظر گرفته، در قرآن تعابیر مختلفی به کار رفته است که گاه رابطه جعلی و قراردادی را به ذهن می‌آورد و زمانی رابطه‌ای فراتر بین اعمال و ثواب و عقاب آن را به اثبات می‌رساند. آیاتی که رابطه اعتباری و قراردادی را به ذهن می‌آورند، اکثراً آیاتی هستند که در آنها تعبیر «أجر» و «جزاء» به کار رفته است. از جمله این آیات، می‌توان موارد ذیل را ذکر کرد:

﴿...مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ ... هُرْكَسَ عَمَلِ بَدِيْ اَنْجَامِ دَهْد، كَيْفَرِ دَاوَدَةِ مِيْ شُوْد...﴾.

(نساء: ۱۲۳-۱۲۴)

﴿...إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِيمَانَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ...؛ ...كَسَانِيْ كِهْ غَنَاهِ مِيْ كَنْدِ بِهْ زُوْدِيْ

در برابر آنچه مرتکب می‌شدند، مجازات خواهند شد...﴾. (انعام: ۱۲۰)

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ...؛ آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا

کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است﴾. (بقره: ۱۱۲)

﴿...وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ...؛ و اگر ایمان بیاورید و تقوی پیشه کنید، پاداش

بزرگی برای شماست﴾. (آل عمران: ۱۷۹)

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا...؛ هرکس کار نیکی

به جا آورده، ده برابر آن پاداش دارد و هرکس کار بدی انجام دهد، جز به مانند آن کیفر نخواهد

دید﴾. (انعام: ۱۶۰)

آنچه از ظاهر این آیات و آیات مشابه دیگر به ذهن می‌رسد این است که خداوند در برابر هر عملی در این دنیا، جزاء و اجر معینی در آخرت قرار داده است؛ همان گونه که در جوامع بشری، قوانینی جعل شده که در مقابل عملی، فلان پاداش و در برابر عمل دیگر، فلان کیفر را مقرر نموده است.

در مقابل این آیات، آیات دیگری وجود دارد که می‌توان از آنها استظهار کرد که رابطه بین اعمال ما و نتایج اخروی آن، بیش از حد قرارداد و رابطه‌ای عینی و حقیقی است. آیاتی همچون:

﴿ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾؛ سپس به هرکس، آنچه فراهم کرده (و انجام داده) است، به طور کامل داده می‌شود و (به همین دلیل) به آنها ستم نخواهد شد. (آل عمران: ۱۶۱)

﴿وَإِنَّ كَلِمَاتًا لِّيُوقِيَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَاهُمْ...﴾؛ و پروردگارت اعمال هریک را بی‌کم‌وکاست به آنها خواهد داد... (هود: ۱۱۱)

﴿...وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا...﴾؛ ... و همه اعمال خود را حاضر می‌بینند... (کهف: ۴۹)

﴿فَن يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾؛ پس هرکس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد، آن را می‌بیند و هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده، آن را می‌بیند. (زلزال: ۷-۸)

این آیات و آیات دیگری که دلالت دارد بر اینکه رابطه بین اعمال ما و نتایج آن در آخرت، رابطه‌ای است بیش از حد قرارداد و اعتبار. به شهادت این آیات، ثواب و عقاب اعمال انسان، نفس اعمال نیک و بد اوست که در آخرت، آن را بی‌کم‌وکاست دریافت می‌کند؛ شبیه آنچه در مورد درخت و میوه آن می‌توان گفت که میوه همان هسته است که امروز به این صورت درآمده است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۷-۴۹۵)

با توجه به دو دسته آیه‌ای که ذکر شد، مفسران در مورد رابطه اعمال و ثواب و عقاب اخروی آن، دو دیدگاه کلی را پذیرفته‌اند:

- برخی با تمسک به آیات دسته اول، وجود رابطه قراردادی و اعتباری بین اعمال و آثار اخروی آنها را پذیرفته و معتقدند عمل، عرضی است قائم به غیر که به مجرد ایجاد، از بین می‌رود و بعد از نابودی عمل، چیزی باقی نمی‌ماند که در جهان دیگر اعاده شود؛ بنابراین آنان پاداش و جزای عمل را غیر از خود عمل می‌دانستند و در امثال آیه: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ...﴾؛ روزی که هرکسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد... (آل عمران: ۳۰)، ظاهر آیه را برخلاف بدهت دانسته و تقدیر لفظی را لازم می‌دانستند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۲ و ۳۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۴؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۱۹۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۳ و مجلسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۲۹ و ج ۹، ص ۹۵). بر این اساس،



آیات دسته دیگر را توجیه نموده و یا از کنار آن گذشته‌اند و عده‌ای وجود رابطه تکوینی بین اعمال و ثواب و عقاب اخروی را پذیرفته و آیات دسته اول را توجیه نموده‌اند.

- برخلاف برخی قدمای مفسران، گروهی دیگر معتقد بودند که بین اعمال انسان و آثار و نتایج اخروی آن، رابطه‌ای حقیقی و تکوینی برقرار است. (بهایی، ۱۴۳۱، ص ۱۹۱، ۴۰۲، ۴۷۳ و ۴۹۳؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۳۱۴ و ۳۱۵، فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳۷)

طرفداران این دیدگاه، عمل را حقیقتی دوساحتی و دویعدی دانسته و معتقدند همان طور که انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی (بدن و روح) است، اعمال انسان نیز دارای دو بعد است: یک بعد، همان ظاهر حرکات و سکناات جسمانی انسان است که اعمال به وسیله آنها ظهور می‌یابند و یک بعد هم، باطن عمل است که در روح و باطن انسان تأثیر می‌گذارد. بنا بر این دیدگاه، آنچه از تأثیر باطن اعمال، در باطن انسان حاصل می‌شود، باقی است و زائل شدنی نیست و در روزی که حقیقت انسان با تمام ملکاتش متجلی می‌شود، به انسان می‌رسد. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۷۲؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۸۲؛ خمینی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۷ و مطهری، ۱۳۷۵، ج ۲۷، ص ۴۶۷)

گروهی از دانشمندان معاصر نیز برای تبیین حقیقت عمل، از یکی از اصول مسلم علم فیزیک به نام «قانون بقاء ماده و انرژی» بهره گرفته‌اند. به عقیده این گروه، تجسم اعمال در قیامت، تجسم انرژی و نیرویی است که برای انجام آن عمل مصرف شده است (رک: رضوی، ۱۳۹۵، ص ۲۴-۲۷؛ سبحانی، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۴۲۲ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰۹). آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی، از مخالفان این نظریه‌اند. ایشان معتقدند رابطه بین عمل و جزای اخروی آن را نمی‌توان بر اساس قوانین مادی تبیین کرد، چرا که تجسم اعمال، منحصر در اعمال جوارحی انسان نیست؛ بلکه عقاید، نیات و اخلاق انسان را نیز دربرمی‌گیرد، در صورتی که این امور، قابل توجیه مادی نیستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۹۱ و مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۴۳۸)

با توجه به اینکه اثبات ارتباط حقیقی بین عمل و جزای اخروی و تبیین مسئله تجسم

اعمال، علاوه بر بالا بردن بینش انسان نسبت به نتیجه اعمال خود و اصلاح اعمال، در پاسخگویی به شبهات ناسازگاری کیفر اخروی با عدالت و حکمت الهی راه‌گشاست، این موضوع در قرآن کریم و به تبع آن در روایات معصومین علیهم‌السلام و دانشمندان و فلاسفه، بسیار مورد توجه واقع شده است. ظاهراً وقتی شیخ بهایی برای اولین بار با عنوان تجسم اعمال، از وجود رابطه تکوینی و حقیقی بین عمل و جزاء آن خبر داد (بهایی، ۱۴۳۱، ص ۱۹۱، ۴۰۲، ۴۷۳ و ۴۹۳)، برخی نظر وی را مستلزم خروج از دایره اسلام و انکار دین دانسته و به مخالفت با او پرداختند و همچون مفسران گذشته، به توجیه آیات و روایات مربوط به تجسم اعمال اقدام کردند (مجلسی، بی تا، ج ۷، ص ۲۲۹ و ج ۹، ص ۹۵) تا آنکه ملاصدرا با طرح نظریه حرکت جوهری، به تحلیل عقلی رابطه عمل و جزاء و تبیین نظریه تجسم اعمال پرداخت (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۳۱۴ و ۳۱۵). بدین ترتیب، برخی از مفسران و دانشمندان پس از او، با رویکرد جدیدی به تفسیر آیات مربوط به این مسئله پرداخته و از برهان‌های فلسفی در اثبات این نظریه بهره برده‌اند. کتاب‌های «سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه» تألیف آیت‌الله جعفر سبحانی، «معاد» از استاد شهید مرتضی مطهری، «تجسم عمل یا تبدیل نیرو به ماده» اثر محمدامین رضوی، «معاد یا بازگشت به سوی خدا» به قلم محمد شجاعی و مقالات «کاوشی در تجسم اعمال» نوشته محمدحسن قدردان قراملکی، «بررسی تجسم و انعکاس اعمال از نگاه معارف عقلی» اثر اکبر اسدعلیزاده، «تبیین تجسم اعمال بر اساس ترتب عوالم کلی وجود» به نگارش جعفر هدایی و «تحلیل نظریه صورت ملکوتی در تجسم اعمال» و... آثاری است که در این زمینه تألیف شده است.

با توجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی در اثبات مسئله تجسم اعمال از طریق بررسی حقیقت عمل، ترتب عوالم وجود و اصل علیت، به ارائه برهان‌های عقلی در این مسئله پرداخته و از آنجا که در بین آثار نگاشته شده در این زمینه، اثری که به بررسی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته باشد یافت نشد، در این مقاله، برهان‌های نقلی و عقلی علامه عبدالله جوادی آملی در اثبات تجسم اعمال، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش، به بررسی مفاهیم مؤثر در درک بهتر موضوع این پژوهش می‌پردازیم.

۱.۱. اعمال

اعمال جمع عمل، به معنای کار و فعالیت است (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۴۷۴ و حسینی الزبیدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۴). «عمل» در زبان فارسی، به معنای کار یا رفتاری که کسی انجام می‌دهد و به کردار، کنش و آنچه از نیک و بد که از آدمی سر می‌زند، معنا شده است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۵۰۹۳ و دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۳۲، ص ۳۵۲). به نظر علامه طباطبایی، حرکات گوناگون و متنوعی که از ما سر می‌زند، وقتی عمل نامیده می‌شود که به نوعی، به اراده و خواست ما بستگی داشته باشد. به همین جهت، سلامتی، مرض، حرکات بی‌اختیار اعضاء و رشد سال به سال موجودات، عمل آنها شمرده نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۱)

با توجه به مطالبی که بیان شد، مراد از «اعمال» در این مقاله، هر عمل ارزشی است که انسان با علم، اراده، قصد و اختیار انجام می‌دهد، خواه صالح باشد یا غیر صالح؛ برخلاف کارهایی که بدون اراده، از انسان سر می‌زند مثل ضربان قلب و گردش خون و کارهایی که به حسن و قبح متصف نمی‌شوند مثل خوردن و خوابیدن. از آنجاکه بین اعمال انسان و اعتقادات و اخلاق او، ارتباطی دوسویه وجود دارد، به این معنا که عمل انسان در نفس او، خلق و خو و اعتقادات مناسب خود را ایجاد می‌کند، همچنین از هر نفسی با خلیات و اعتقادات خاص آن، اعمال متناسب با آن عقاید و خلیات بروز می‌کند، لذا می‌توان عقاید و اخلاقیات را نیز جزء اعمال اختیاری انسان به حساب آورد.

۱.۲. تجسم

تجسم از ماده جسم گرفته شده و جسم به معنای چیزی است که بدن و اعضای انسان یا جنبندگان را جمع می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۶۰). جسد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۲۰) هر

چیزی است که مکان مند و محسوس باشد، با قطع نظر از اینکه جسد یعنی خالی از روح باشد یا دارای روح (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۶) و به معنای تن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۸) گرفته شده است. واژه تجسم به معنای تناور شدن و در دیده جای گرفتن، جسم و بدن گرفتن وجود غیر مادی، در نظر آوردن و خیالی را واقعیت دادن گفته می شود. (دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۱۳، ص ۳۹۴)

۱.۳. تجسم اعمال

منظور از تجسم اعمال این است که اندیشه، گفتار و کردار انسان صورتی دارد که در رستاخیز، پس از تحولات ژرف و شگرف، به صورت واقعیت اخروی جلوه می نماید (خطیبی کوشک، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸۰). در این مقاله، مراد از ترکیب تجسم اعمال، به معنی شکل گرفتن و به صورت جسم درآمدن عقاید، اخلاق و افعال انسان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۴۷)

۳۷



۲. تحلیل برهان های آیت الله جوادی آملی در مورد تجسم اعمال

بر اساس قانون تجسم اعمال، عقاید، اخلاق و اعمال انسان، اعتبار محض و بدون حقیقت نیستند؛ بلکه دارای حقیقت و واقعیت خارجی اند و به صورت متناسب با خود، مجسم می شوند (همان، ۱۳۸۷ الف، ص ۴۷ و ۱۳۸۹ الف، ص ۲۱۵). ایشان معتقدند مسئله تجسم اعمال را هم ظواهر آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام و هم برهان های عقلی اثبات می کند (همان، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۷۷). لذا در این پژوهش، ابتدا به ذکر براهین نقلی آیت الله جوادی آملی از قرآن و روایات و سپس به تحلیل برهان های عقلی ایشان در اثبات تجسم اعمال پرداخته می شود.

۲.۱. تحلیل برهان های نقلی آیت الله جوادی آملی در تجسم اعمال

یکی از مسائل مورد توجه در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام، مسئله جاودانگی عمل انسان و تبیین چگونگی دریافت پاداش و جزای عمل است. قبلا ذکر شد که آیات قرآن در این زمینه، دو دسته اند: آیاتی که ظاهرا دلالت می کند بر اینکه بین عمل و جزاء آن، رابطه ای



اعتباری و جعلی برقرار است و آیاتی که این رابطه را حقیقی می‌داند. آیت‌الله جوادی آملی ضمن اینکه ارتباط عمل و جزای اخروی را ارتباطی حقیقی و تکوینی می‌داند، از آیات قرآن و روایات به عنوان دلیل برای اثبات تجسم اعمال استفاده نموده‌اند.

۱، ۲. تحلیل برهان تجسم اعمال بر اساس آیات قرآن

آیت‌الله جوادی آملی، مجموع آیات قرآن را که ناظر بر مسئله تجسم اعمال است، به ده طایفه تقسیم کرده‌اند (همان، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۵۷ و ۱۳۸۷ الف، ص ۷۶). از آنجا که به فرموده ایشان، تقسیم یادشده، تقسیم عقلی نبوده و قابل تغییر است، به منظور ایجاد مطلب در این مقاله، آیات مورد نظر را به چهار قسم تقسیم کرده و از هر قسم، نمونه‌هایی ذکر می‌کنیم:

الف) آیاتی که به حقیقت داشتن، رؤیت و حضور عمل دلالت می‌کنند:

﴿يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ در آن روز، مردم به صورت گروه‌های پراکنده (از قبرها) خارج می‌شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود. پس هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد، آن را می‌بیند و هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده، آن را می‌بیند. (زلزال: ۸۶)

﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا...؛ روزی که هرکس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می‌بیند.﴾ (آل عمران: ۳۰)

﴿وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا...؛ و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟ و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می‌بینند.﴾ (کهف: ۴۹)

از دقت در آیات فوق، این نتیجه به دست می‌آید که شهود، رؤیت و حضور عمل در قیامت، امری است حقیقی و کتاب اعمال انسان که در قیامت به او ارائه می‌شود، کتابی است حقیقی و تکوینی نه تدوینی؛ چرا که وجود کتاب لفظی، قابل انکار است، ولی مشاهده عین عمل، چیزی نیست که تبهاران بتوانند آن را تکذیب کنند. بنابراین، نوشتن عمل در این آیه به معنای

تثبیت متن عمل است نه نوشتن با قلم. بر این اساس، عبارت «وَّوَجِدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا...»
 مبین تجسم اعمال است، یعنی نفس اعمال را حاضر می‌بینند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۶۵؛
 قرشی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۳ و امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۸۲)

ب) آیاتی که بر مسئله عینیت و این همانی عمل و پاداش و جزای آن تصریح دارند:

«وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ...» و به هرکس آنچه انجام داده است، بی‌کم‌وکاست داده
 می‌شود...». (زمر: ۷۰)

«وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ...» و به هرکس، آنچه (از اعمال برای خود) فراهم کرده، به
 طور کامل داده شود...». (آل عمران: ۲۵)

«هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت؟» (نمل: ۹۰)
 «ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ بچشید آنچه را عمل می‌کردید». (عنکبوت: ۵۵)

در آیات فوق، به این مهم تصریح شده که آنچه انسان در قیامت، از پاداش و کیفر اعمال
 خود دریافت می‌کند، در حقیقت همان عمل اوست که به تمامی به او برمی‌گردد. به همین
 سبب، انسان در آن روز با مشاهده اعمال خود درمی‌یابد که مورد ستم واقع نشده است. در
 دو آیه اخیر می‌فرماید: «... مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» و گفته نشده: «... بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ یعنی شما
 بر اساس عملکرد خود، جزاء داده می‌شوید؛ بلکه فرمود جزاء شما، متن و عین اعمال شماست
 (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۴۰۳ و قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۵۰۳). عینیت عمل
 و پاداش و جزاء آن به این معناست که عمل انسان، با حفظ اصل وجود و هویت، با سیر طولی و
 تکامل، به صورت پاداش و کیفر اخروی درآمده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۷۷)

ج) آیاتی که بر ظهور عمل به صورت نعمت یا عذاب اشاره دارد:

«... سَيَطُوفُونَ مَا حُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» به زودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل
 ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می‌افکنند». (آل عمران: ۱۸۰)

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا...» کسانی که اموال یتیمان
 را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت) تنها آتش می‌خورند...». (نساء: ۱۰)



«...كَلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ مَمْرَةٍ رَزَقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ...»؛ هر زمان که میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود...». (بقره: ۲۵)

با توجه به آیات فوق درمی‌یابیم که هرآنچه در بهشت و جهنم دیده می‌شود، حقیقت و باطن اعمال انسان است که به این صورت، ظهور و بروز یافته است. طبق آیات فوق، طوق عذاب، طعام متعفن و آتش جهنم، در واقع، حقیقت عقاید و اعمال و اخلاق زشت انسان در دنیاست که هرچند از همان لحظه ارتکاب گناه با گناهکار همراه بوده، اما در قیامت آن را به وضوح می‌بیند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۴۴). همچنین با توجه به آیه اخیر، حقیقت اعمال نیک نیز ثمرات خوش‌گوار بهشتی است که بهشتیان هنگام بهره‌مندی از آن درمی‌یابند که این نعمت‌ها همان اعمال صالحی است که در دنیا انجام دادند و امروز به این صورت مجسم شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۷۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۰ و ج ۴، ص ۲۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۸ و حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۵)

د) آیاتی که تأکید می‌کند عمل انسان آن چنان قوی است که می‌تواند عامل را به صورت متناسب با خود تبدیل نماید:

«يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أُمَّتَاتًا...» در آن روز مردم به صورت گروه‌های پراکنده (از قبرها) خارج می‌شوند...». (زلزال: ۶)

«يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا؛ روزی که در «صور» دمیده می‌شود و شما فوج فوج (به محشر) می‌آیید». (نبا: ۱۸)

«...فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...»؛ از آتشی بترسید که هیضم آن، بدن‌های مردم (گناه‌کار) و سنگ‌ها [بتها] است...». (بقره: ۲۴)

«...وَأُولَئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ؛ و آنان خود، آتشگیره دوزخند». (آل عمران: ۱۰)

«وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا؛ و اما ظالمان، آتشگیره و هیضم دوزخند». (جن: ۱۵)

این آیات بر این مطلب دلالت دارد که اگر گناه و ظلم، برای انسان به صورت ملکه نفسانی درآید، این خود انسان است که آتشگیره جهنم و مواد آتش‌زای آن می‌شود؛ بنابراین علاوه بر

اینکه اعمال انسان به صورت متناسب با نشئه آخرت نمایان می‌گردد، خود او هم در قیامت با صورت و ظاهری متناسب با اعمال خود محشور می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۷۲؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۴، ص ۱۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۶۸ و ۱۳۸۷ الف، ص ۸۷) پس نفس انسان، سبب مباشر و قریب احضار عمل در قیامت است و آنچه که مستقیماً انسان را به بهشت یا جهنم می‌کشد، نفس او و ملکات نفسانی حاصله از اعمال اوست. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲۰ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۱۸۳)

۲،۱،۲. تحلیل برهان تجسم اعمال بر اساس روایات

در زمینه تجسم اعمال، روایات بسیاری از معصومان علیهم‌السلام به ما رسیده که گاهی بر مطابقت و عینیت جزاء و عمل، دلالت دارد و زمانی بیان‌کننده ظهور عمل به صورت ملکوتی است و گاه مبین ظهور عامل به صورت متناسب با عمل است. آیت‌الله جوادی آملی، گروهی از این روایات را ذیل بحث از تجسم عمل ذکر نموده‌اند و ما در اینجا برای حفظ اختصار، از هر دسته روایات، نمونه‌هایی را بیان می‌کنیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۴۹-۴۶۵)

الف) روایاتی که بر اصل تجسم عمل و عینیت و این‌همانی جزاء و عمل دلالت دارند:

از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که فرمودند: «إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ تَرَدُّ إِلَيْكُمْ؛ جز این نیست که همان اعمال شما به سوی شما بازمی‌گردد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۹۰)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمودند: «أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نَصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي [أَجَلِهِمْ] آجَاهِم؛ کردار بندگان در دنیا، در قیامت، پیش روی آنان جلوه‌گر است». (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۷۰ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۴۰۹)

این دسته از روایات، به صورت روشن بیان می‌کند که هرآنچه انسان در قیامت به صورت پاداش و جزاء دریافت می‌کند در حقیقت همان اعتقادات، اعمال و اخلاق اوست که عیناً به او بازگشته است.

ب) روایاتی که بر ظهور باطنی ملکوتی عمل به صورت نعمت یا عذاب تاکید دارند:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «ای قیس! ناچار تو را همدمی است که با تو دفن



می‌شود و او زنده است و تو با او دفن می‌شوی درحالی‌که تو مرده‌ای. اگر کریم و بزرگواری باشد تو را گرامی می‌دارد و اگر پست و فرومایه باشد، تو را تسلیم می‌کند. سپس آن همدم جز با تو محشور نمی‌شود و تو جز با آن برانگیخته نمی‌شوی و جز درباره او از تو بازخواست نمی‌شود. پس آن را جز شایسته و صالح قرار مده؛ زیرا اگر خوب باشد، با وی انس می‌گیری و اگر بد باشد، جز از او وحشت نمی‌کنی و آن همدم، کردار توست» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳ و ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۲۸)

آنچه از روایت فوق استفاده می‌شود این است که اعمال انسان به صورت متناسب با خود مجسم شده و بلافاصله پس از مرگ، قابل رؤیت است. این صورت هرگز از انسان جدا نمی‌شود؛ اگر صالح و نیکو باشد، ایجاد آرامش و انس می‌کند و اگر ناشایست باشد، موجب وحشت می‌گردد.

همچنین از ابی بصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرمودند:

زمانی که مؤمن می‌میرد، شش صورت داخل قبرش می‌شوند که از نظر زیبایی، درخشندگی، خوش بویی و پاکیزگی، زیباترین صورت‌ها هستند. این شش صورت، یکی سمت راست قرار می‌گیرد و بقیه سمت چپ، جلو، پشت سر و نزد پا می‌ایستند و یکی که از همه زیباتر است، بالای سر قرار می‌گیرد. اگر یکی از آنها، از سمت راست آمد، سمت راستی مانع می‌شود تا اینکه شش صورت در شش جهت استقرار می‌یابند. آن صورتی که از همه زیباتر است به آن پنج صورت می‌گویند: خداوند به شما خیر دهد. شما چه هستید؟ صورت سمت راست می‌گوید: من نماز این مرده در دنیا بودم. صورت سمت چپ گوید: من زکاتش بودم. صورتی که در جلو قرار گرفته گوید: من روزه‌اش بودم. صورت پشت سر گوید: من حج و عمره‌اش بودم. صورت نزد پا گوید: من آن پنج خوبی‌هایی بودم که این مرده به برادر مسلمان‌ش انجام می‌داد. سپس آن پنج

صورت، به زیباترین صورت می‌گویند: شما که از نظر چهره، از همه زیباتری و از نظر بوی خوش و از نظر درخشندگی (بالتری) چه کسی هستی؟ آن صورت زیبا که بالای سر قرار دارد، می‌گوید: من ولایت و محبت به محمد و آل محمد هستم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۲۳۴)

از روایت فوق نیز این گونه برمی‌آید که هر یک از اعمال انسان، صورتی باطنی و ملکوتی دارند که پس از مرگ و کنار رفتن پرده‌ها، برای انسان مجسم می‌شود.

ج) روایاتی که بر حشر عامل به صورت باطنی عمل دلالت می‌کنند:

معاذ از رسول خدا ﷺ درباره آیه: ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ پرسید. ایشان فرمود: «ای معاذ! درباره امر عظیمی پرسیدی.» سپس اشک از چشمان مبارکش جاری شد و فرمود: «ده گروه از امت من محشور می‌شوند، برخی از آنان، به شکل میمون و برخی دیگر، به شکل خوک و برخی به این صورت که سرشان وارونه است؛ یعنی اینکه پاهای آنها در بالای سرشان است و صورتشان بر زمین کشیده می‌شود و برخی دیگر از آنان، نابینا هستند و برخی دیگر، کر و لال هستند. گروهی زبان خویش را که بر سینه‌های ایشان آویزان شده، می‌چوند و چرک از آن سرازیر می‌شود که دیگران به دلیل این آلودگی، از آنان نفرت دارند و گروهی دیگر، دست و پاهایشان قطع شده است و گروهی بر تنه درختانی از آتش، به صلیب کشیده شده‌اند و گروهی، از لاشه، گندیده‌تر و بدبوتر هستند و به گروهی دیگر جامه‌هایی پوشانده شده است که بلند و چسبان و از جنس قیر است. آن گروهی که به شکل میمون‌ها هستند، همان گروه سرکش از مردم هستند و گروهی که به شکل خوکان هستند، رشوه‌خوارانند و آن دسته که سرشان وارونه است، رباخوارانند و نابینایان کسانی هستند که در قضاوت کردن، ظلم می‌کنند و عدالت را رعایت نمی‌کنند و آن دسته که کر و لال هستند، آنهایی هستند که شیفته اعمال خویش هستند و آنهایی که زبان‌های خویش را می‌چوند، علما و قضیانی هستند که گفتار آنها با عملشان متفاوت است و آن دسته که دست و پاهای آنها قطع شده است، کسانی هستند که به همسایه خویش آزار می‌رسانند. اما آن گروهی که بر درختانی از جنس آتش به صلیب کشیده شده‌اند، آنهایی هستند که نزد پادشاه





به مردم تهمت می‌زنند (و سخن‌چینی می‌کنند) و آنهایی که از لاشه، گندیده‌تر هستند، آنهایی هستند که اسیر شهوت و لذت‌ها هستند و حق خداوند را در اموال خویش به جای نمی‌آورند و آن دسته که لباس‌هایی از جنس آتش بر تن آنهاست، اهل کبر و فخرفروشی و تکبر هستند.

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۸۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۹۳ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۱۰۰)

از تأمل در روایت بالا و احادیث مشابه آن به این نتیجه دست می‌یابیم که علاوه بر اینکه هریک از اعمال انسان، با صورت باطنی و ملکوتی خود، مجسم و موجب لذت یا عذاب عامل می‌گردند، تاثیر عمل انسان بر نفس او چنان قوی است که با ایجاد ملکات سازگار با اعمال، نفس را به صورت هماهنگ با اعمال انسان درمی‌آورد؛ چرا که نفس انسان قابلیت پذیرش صورت‌های مختلفی را دارد و صورت اخروی نفس، متناسب با ملکاتی است که در دنیا کسب نموده است.

۲,۲. تحلیل برهان‌های عقلی آیت‌الله جوادی آملی در تجسم اعمال

در آموزه‌های دین اسلام، عقل انسان از جایگاه والایی برخوردار است تا آنجا که تفسیر صحیح قرآن و برداشت درست از روایات معصومان علیهم‌السلام زمانی حاصل می‌شود که با مبانی مسلم عقلی مخالفت نداشته باشد.

قبلاً بیان شد که آیات قرآن در زمینه رابطه عمل و جزای اخروی آن، در ظاهر دو دسته شده‌اند و برای حل این تعارض ظاهری و پذیرش یک دسته از آیات و توجیه گروه دیگر، به ناچار باید به اصول عقلی مورد پذیرش مراجعه نمود. از این‌رو در این قسمت، برهان‌های عقلی آیت‌الله جوادی آملی در زمینه اثبات وجود رابطه تکوینی و حقیقی بین عمل و جزاء اخروی و تبیین تجسم اعمال، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲,۲,۱. تحلیل برهان تجسم اعمال بر اساس تبیین حقیقت عمل

همان‌گونه که اشاره شد، مفسران و دانشمندان متأخر، عمل را عرضی قائم به ذات می‌دانستند که بلافاصله پس از ایجاد، از بین می‌رود. ایشان رابطه عمل و جزاء اخروی را رابطه‌ای جعلی می‌دانند؛ چرا که معتقدند عملی که فانی شده، نمی‌تواند به صورت جسم

درآید، لذا در تفسیر آیاتی که بر تجسم اعمال تصریح دارد، به مجاز بودن کلمه یا اسناد حکم کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۴؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۱۹۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۲ و ۳۵۳ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۳)

این اشکال از آنجا ناشی شده که قدما در بحث‌های خود درباره عمل، فقط به صدور آن از عامل توجه نموده و اصلاً به ذات خود عمل یا به عبارت دیگر «حقیقت عمل» نپرداخته‌اند؛ لذا حکم کرده‌اند که عمل، عرض است، یعنی به ذات عامل عارض می‌شود و پس از عروض خود فانی می‌گردد. بنابراین نتیجه گرفته‌اند که ثواب و عقاب اخروی مانند پاداش‌ها و مجازات‌های دنیوی، قراردادی و جعلی است. (رضوی، ۱۳۹۵، ص ۷۹-۸۰)

برای تبیین مسئله تجسم اعمال و این نکته که اعمال ما در نفس اثرگذارند، باید ابتدا به تحلیل «حقیقت انسان» و «حقیقت عمل» پرداخت. همان‌گونه که حقیقت انسان، صرف بدن مادی نیست، بلکه از نفس نفیسی برخوردار است، عمل انسان نیز از محدوده حرکات و سکنتاتی که بر بدن مادی قائم است، فراتر می‌رود. به عبارت دیگر انسان با تمام وجود خویش با افعال مرتبط می‌شود. عملی که به صورت حرکات و سکنتات بدن ظاهر می‌شود، در عوالم باطن انسان به صورتی دیگری تجلی می‌کند و آنچه از باطن اعمال انسان که در باطن نفس او ظاهر می‌شود، زائل شدنی نیست و همه در روز قیامت که حقیقت انسان با تمام ملکاتش متجلی می‌شود، ظهور خواهد یافت. بنا بر این دیدگاه، نفس انسان، جوهر قابل تغییر و تحوّل است که به وسیله اعمال خود، ماهیت و حقیقت آینده خود را می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲ و ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۷۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۹۵ و ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۰۰)

آیت‌الله جوادی آملی در رد عرضی بودن عمل، به تبیین حقیقت عمل پرداخته و می‌فرماید: اشکال این نظر این است که اولاً عمل را عرض فرض کرده و ثانیاً عینیت جزاء و عمل را از نوع عینیت مادی دنیایی تلقی نموده است. درست است که عملی که در خارج واقع می‌شود یک سلسله حرکات است که از بین می‌رود، اما در واقع، آنچه به عنوان عمل شناخته می‌شود همان اثری است که در جان انسان بر جای می‌گذارد. از آن گذشته، منظور از عینیت جزاء و



عمل، ظهور عین صحنه گناه یا مثلا مال غضب شده یتیم نیست؛ بلکه به این معناست که عمل انسان، در قیامت با حفظ وحدت و هویت، به صورت متناسب با نشئه اخروی، ظهور و شهود می‌یابد، به طوری که انسان با یقین اعتراف می‌کند که این مشهود، همان عمل دنیوی اوست. بنابراین هیچ جوازی برای عمل برخی مفسران در تقدیر گرفتن مضاف و یا مجاز گرفتن کلمه یا اسناد در تفسیر این گونه آیات نداریم. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۴۸ و ۳۴۵ و ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۷۷) ایشان همچنین در مورد راز جاودانگی و زوال ناپذیری عمل انسان می‌فرماید: «راز مهم آن (تجسم اعمال) این است که عقیده، اخلاق و عمل، در روح انسان راه پیدا می‌کند و در پرتو تحوّل جوهری، از حال به ملکه و از آنجا به صورت نوعی و فصل مقوم راه یافته و در متن هویت وی، سهم تقویمی می‌یابد و از این رهگذر، بهره‌ای از دوام یافته، در نشئه معاد با تصویر الهی به صورت‌های متناسب تجلی می‌کند». (همان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۰۰)

به اعتقاد آیت‌الله جوادی آملی، قرآن حیات هر انسانی را وامدار عقاید، اخلاق و اعمال او می‌داند. بر این اساس اگر انسان به وسیله قوه عاقله خویش، سایر قوای خود را متعادل نموده باشد، در قیامت نیز با صورت انسانی ظاهر می‌شود. اما اگر قوه عقل را تحت فرمان سایر قوا قرار داده باشد، در عالم دیگر به صورت بهیمی یا سبعی متناسب با همان قوا یا به عرصه محشر می‌گذارد. (همان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۰۷-۲۱۰)

۲,۲,۲. تحلیل برهان تجسم اعمال با توجه به مراتب وجودی و عوالم وجود

برای اثبات مسئله تجسم اعمال، توجه به این نکته ضروری است که اعمال انسان، ظاهر و باطن و به عبارت دیگر، چهره دنیایی و چهره آخرتی و وجود ملکی و ملکوتی دارند. چهره دنیایی عمل انسان، امری است فانی، زائل و ازبین‌رونده و چهره آخرتی و یا چهره ملکوتی آن، امری است باقی و زائل‌نشدنی. (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۲۷، ص ۴۶۷) برای روشن شدن این مطلب لازم است ابتدا به بیان عوالم کلی وجود بپردازیم.

از نظر حکماء، عوالم وجود دارای چهار مرحله طولی است. از این عوالم چهارگانه، از پایین به بالا به «قوس صعود» و از بالا به پایین به «قوس نزول» تعبیر می‌شود. نازل‌ترین

و پست‌ترین مرحله وجود، همین عالم طبیعت است که نزدیک‌ترین عوالم به ادراک همه انسان‌ها است و «عالم ناسوت» نام دارد. پس از آن، عالم مثال است که به آن، عالم خیال و مُثُل معلقه و برزخ و «عالم ملکوت» هم می‌گویند. سپس عالم تجرّد تام، که عالم عقل و روح و «عالم جبروت» نام دارد و بالاترین و برترین عالم، عالم اسماء و صفات است که «عالم لاهوت» نامیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲ و ۱۴۸ و جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۴)

این عوالم وجودی در طول هم هستند و هرچه در جهان طبیعت وجود دارد، عین آن با وجودی متناسب با عوالم بالاتر در آن عوالم موجود است. از آنجاکه اصالت، از آن وجود است و وجود، حقیقتی تشکیکی است که از پایین‌ترین مرتبه تا شدیدترین مراتب گسترده است، لذا هر موجود مادی می‌تواند با حرکت جوهری در میان مراتب تشکیکی وجود، از ضعیف‌ترین مرتبه به مراتب بالاتر تحول یابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۱)

بنابراین، عمل انسان در دنیا همچون سایر موجودات عالم طبیعت، علاوه بر صورت این جهانی خود، صورت‌هایی متناسب با عوالم بالاتر دارد که در آن، عوالم با آن صورت، ظهور می‌یابد؛ به عبارت دیگر آنچه در دنیاست به نحو تجلی در عوالم بالاتر موجود است. لذا با اینکه ظهور عمل در دنیا، با آخرت متفاوت است، اما انسان در آخرت هیچ تردیدی ندارد که این صورت اخروی، عین همان عمل دنیوی اوست. (همان، ۱۳۸۷، ب، ص ۳۵۲)

تجسم عقاید، اخلاق و اعمال انسان در قیامت، همانند درخت گردوی سالمند، تنومند و پرثمری است که پیش‌تر با همه خصوصیات گسترده‌اش در درون دانه گردویی بسته بود و آنگاه که به باغ آمد، با گذراندن مراحل مختلف، به این صورت ظاهر شد. (همان، ص ۳۶۰ و ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۷۶)

بنابراین در این دنیا هیچ چیز از جمله عمل انسان نابود نمی‌شود و آنچه در قیامت ظاهر می‌شود، اصل و حقیقت و چهره دیگری است از آنچه در دنیا به وقوع پیوسته که به صورت عذاب یا نعمت مجسم شده است. (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۲۷، ص ۴۶۷؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۸۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰۹)



۲،۲،۳. تحلیل برهان تجسم اعمال بر اساس اصل علیت

خداوند متعال، جهان را بر اساس نظام علّی و معلولی آفریده و این بدین معناست که هر معلولی با علت خاص در ارتباط است و از علت خاص، معلول خاص پدید می‌آید. عمل انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین هر عملی به موجود معینی ربط وجودی دارد و هیچ عملی از عامل خود جدا نمی‌شود و به غیر عامل خود نمی‌پیوندد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۴۹) علامه طباطبایی رابطه اعمال با نفس و ذات فاعل را از نظر فلسفی تبیین نموده و می‌فرماید: «... هر عملی، مرتبه نازل از نفس انسانی است که آن عمل از او سر زده. بنابراین، بین نفس انسان که منشأ و سرچشمه و علت اعمال است با اعمال، تناسب و سنخیت و رابطه ذاتی برقرار است». (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۹۴) چون هر عملی، تشکیل شده از حرکات ظاهری که برخاسته از جسم است و نیت باطنی که برخاسته از جان عامل می‌باشد، با عامل، پیوند ناگسستنی و حقیقی و تکوینی دارد. هر عملی قبل از انجام، تحت اختیار و اراده عامل است، اما پس از تحقق، اگر عمل نیکی باشد همچنان در اختیار عامل است و اگر عمل بدی باشد، از آنجاکه عمل با عامل وحدت دارد و از آن جداشدنی نیست، عامل را در گرو و رهن خود نگه می‌دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «... کُلِّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينَ؛ ﴿ هرکس در گرو اعمال خویش است. (طور: ۲۱) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۶۲۱-۶۲۹) بر اساس اصل پیوند عمل با عامل، برخلاف دنیا که اعضاء و جوارح و عمل در اختیار انسان است، در قیامت، انسان در اختیار اعضاء و جوارح و عمل خویش است (همان، ۱۳۸۹، ج ۴۸، ص ۳۰۰). بنابراین، اثر عمل هرگز عمل را رها نمی‌کند و از آنجاکه عمل نیز عامل را رها نمی‌کند، اثر عمل هرگز از عامل جدا نمی‌شود و حفظ این رابطه وجودی بین عمل عامل و اثر عمل، محصول نظام علّی و معلولی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص ۴۹ و امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۸۲).

البته باید به این مطلب مهم توجه نمود که هرچند انسان مبدأ فاعلی عمل است و عمل و اثر آن از او جدا نمی‌شود، اما مبدأ فاعلی صورت‌های حقیقی عمل، خود خداوند است و تبدیل عقاید و اخلاق و اعمال به صورت‌های متناسب، از قدرت فاعلی انسان خارج است.

تجسم اعمال در قیامت، نیازمند خداوند مصور است و اسناد آن به عامل، از سنخ اسناد مقبول به قابل است نه فعل به فاعل؛ لذا انسان هیچ صورت ملکوتی را بدون افاضه واهب الصور دریافت نمی‌کند و به همین جهت است که صورت‌های ملکوتی اعمال، قابل تغییر و تخفیف و عفو و شفاعت و... می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۵۵۸) با توجه به مجموع مطالبی که گذشت، برای حل تعارض ظاهری بین آیاتی که رابطه عمل و جزاء را اعتباری دانسته و آیاتی که این رابطه را حقیقی و تکوینی می‌شمارد باید چاره‌ای اندیشید. مفسران متقدم غالباً هنگام مشاهده این دو دسته آیات، آیات دسته دوم را با تقدیر گرفتن مضاف یا مجاز گرفتن کلمه یا اسناد، توجیه نموده و آیات را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که رابطه جعلی و اعتباری بین جزاء و عمل حفظ شود. برخلاف آنان، مفسران متأخر از جمله آیت‌الله جوادی آملی بر این باورند که آیات دسته اول، ناظر به فهم عموم مردم است که توان درک مسئله تجسم اعمال و حقیقی بودن رابطه عمل و جزاء را ندارند. ایشان معتقدند با توجه به دلایل عقلی و نقلی اثبات تجسم اعمال، جوازی برای توجیه آیات دسته دوم وجود ندارد؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۳۷۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۴۳۸ و جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۱۷۷) لذا از آنجاکه اعمال دنیوی انسان پس از آنکه شکل کنونی و ظواهر دنیوی خود را از دست می‌دهد و شکل نعمت‌های بهشتی و یا شکنجه‌های جهنمی را به خود می‌گیرد، به عامل خود می‌رسد، صحیح است که هم گفته شود عین عمل او به او رسید و هم اینکه عمل خویش را به عنوان جزاء باز یافت. (رضوی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳)

نتیجه‌گیری

از نظر آیت‌الله جوادی آملی با توجه به آیات قرآن، بین اعمال انسان و پاداش و کیفرهای اخروی آن، رابطه اعتباری از سنخ رابطه بین عمل و جزای آن در دنیا وجود ندارد؛ بلکه این رابطه، رابطه‌ای حقیقی و ذاتی است. ایشان علاوه بر اینکه برای اثبات این رابطه حقیقی و تجسم اعمال، در تفسیر آیات مربوط به بحث، از بیانات معصومین علیهم‌السلام استفاده کرده‌اند،



معتقدند این رابطه با برهان‌های عقلی نیز قابل اثبات است. علامه جوادی آملی، نفس را جوهری قابل تغییر می‌داند که ماهیت خود را از اعمال انسان کسب می‌کند. به عقیده ایشان، هر عملی علاوه بر ظاهر خود، که فانی است، واقعیتی دارد که آثار متناسب با خود را در نفس انسان می‌گذارد. در واقع، تجسم اعمال، اخلاق و عقاید انسان در نشئه آخرت، بر اثر رسوخ این امور در روح انسان است؛ به این معنی که در نتیجه تکرار عمل، ملکاتی در نفس پدید می‌آید که در قیامت تجلی می‌کند و انسان را به صورت متناسب با آن ملکات تبدیل می‌نماید. ایشان همچنین تجسم اعمال را بر اساس ترتب عوالم وجود اثبات می‌نماید؛ به این بیان که هرچه در این جهان وجود دارد، با وجودی متناسب با عوالم بالا، در آن عوالم نیز موجود است، بنابراین اعمال ما علاوه بر صورت این جهانی خود، در عوالم بالاتر با صورت‌های متناسب با آن عوالم، تجلی می‌کند، لذا انسان در آخرت با مشاهده صورت آن جهانی عمل خود، تردیدی ندارد که این عمل، فلان عمل اوست. آیت‌الله جوادی از اصل علیت نیز در اثبات تجسم اعمال استفاده می‌نماید؛ به این بیان که هر عملی، معلول عامل خود بوده که نفس انسان است و بین نفس و عمل، سنخیت ذاتی و رابطه ناگسستنی وجود دارد؛ در نتیجه، عمل هرگز از عامل خود جدا نمی‌شود تا در عالم دیگر همراه نفس ظاهر شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب.
- نهج البلاغه، شریف الرضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴ق، تحقیق: صالح صبحی، قم: هجرت.
۱. ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۷۶ش، *امالی ال صدوق*، تهران: کتابچی.
 ۲. _____، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۳. ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
 ۴. امین اصفهانی، نصرت، ۱۳۶۱ش، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان.
 ۵. انوری، حسن، ۱۳۸۱ش، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
 ۶. آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۸۴ش، *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*، تهران: نشر نی.
 ۷. بستانی، فؤاد الفرام، ۱۳۷۵ش، *فرهنگ ابجدی*، تهران: اسلامی.
 ۸. بهایی، محمدبن حسین، ۱۴۳۱ق، *الاربعون حدیثا*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. تهبانوی، محمدبن علی، ۱۹۹۶م، *کشاف الاصطلاحات الفنون والعلوم*، تحقیق: دحروج علی، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
 ۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴ش، *تفسیر موضوعی*، ج ۱۵، تحقیق: غلامعلی امین دین، قم: اسراء.
 ۱۲. _____، ۱۳۸۷ش - الف، *تفسیر موضوعی*، ج ۵، تحقیق: علی زمانی قمشه ای، قم: اسراء.
 ۱۳. _____، ۱۳۸۷ش - ب، *نسبت دین و دنیا*، تحقیق: علیرضا روغنی موفق، قم: اسراء.
 ۱۴. _____، ۱۳۸۸ش، *تسنیم*، ج ۸، تحقیق: حسن واعظی محمدی، قم: اسراء.
 ۱۵. _____، ۱۳۹۲ش، *تسنیم*، ج ۲۹، تحقیق: روح الله رزقی، قم: اسراء.
 ۱۶. _____، ۱۳۸۸ش - ب، *حق و تکلیف*، تحقیق: مصطفی خلیلی، قم: اسراء.
 ۱۷. _____، ۱۳۸۸ش - ج، *ادب فنای مقربان*، تحقیق: محمد صفایی، قم: اسراء.
 ۱۸. _____، ۱۳۸۸ش - د، *اسلام و محیط زیست*، تحقیق: عباس رحیمیان، قم: اسراء.
 ۱۹. _____، ۱۳۸۹ش - الف، *ادب فنای مقربان*، تحقیق: محمد صفایی، قم: اسراء.
 ۲۰. _____، ۱۳۸۹ش، *تسنیم*، ج ۶، تحقیق: حسن واعظی محمدی، قم: اسراء.
 ۲۱. _____، ۱۳۸۹ش، *تسنیم*، ج ۲، تحقیق: علی اسلامی، قم: اسراء.
 ۲۲. _____، ۱۳۸۹ش، *تسنیم*، ج ۱۰، تحقیق: سعید بندعلی، قم: اسراء.
 ۲۳. _____، ۱۳۸۹ش، *تسنیم*، ج ۴۸، تحقیق: روح الله رزقی، قم: اسراء.
 ۲۴. حسینی الزبیدی، محمد مرتضی، ۱۳۹۲ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: ابراهیم الترتزی، بی جا: دار الهدایة.



۲۵. حسینی همدانی، محمدحسین، ۱۴۰۴ق، *انوار درخشان*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی لطفی.
۲۶. خطیبی کوشکک، محمد، ۱۳۸۶ش، *فرهنگ شیعه*، قم: زمزمه هدایت.
۲۷. خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۴ش، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۸. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۹ش، *لغت‌نامه*، ج ۳۲، تهران: دانشگاه تهران.
۲۹. _____، ۱۳۳۵ش، *لغت‌نامه*، ج ۱۳، تهران: چاپ پیروس.
۳۰. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
۳۲. رضوی، محمدامین، ۱۳۹۵ش، *تجسم اعمال یا تبدل نیرو به ماده*، تهران: عارف کامل.
۳۳. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۴. سبحانی، جعفر، ۱۳۶۰ش، *منشور جاوید*، اصفهان: انتشارات کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۳۵. شیرازی، صدرالدین محمدبن ابراهیم، ۱۳۷۹ش، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، قم: انتشارات مصطفوی.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۱ش، *انسان از آغاز تا انجام*، ترجمه و تعلیق: صادق لاریجانی، تهران: انتشارات الزهراء (علیه السلام).
۳۷. _____، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، قم: هجرت.
۴۱. فیض کاشانی، محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات الصدر.
۴۲. قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱ش، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. _____، ۱۳۷۷ش، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۴۴. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، ۱۳۶۸ش، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. _____، بی تا، *مرآة العقول فی شرح أخبار الرسول*، بی جا: بی تا.
۴۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۰ش، *آموزش عقاید*، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۸. _____، ۱۳۸۶ش، *معارف قرآن (۳۱)*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵ش، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.